

## آسیب شناسی پژوهش یوری روبین درباره بنی اسرائیل\*

حسن رضایی هفتادار\*\* و مهدی شاه محمدی\*\*\*

### چکیده

شناخت دقیق آراء خاورشناسان درباره معارف اسلامی و نقد علمی دیدگاه های آنان از ضروریات مجامع علمی مسلمانان است. به همین منظور نوشتار حاضر به معرفی و آسیب شناسی مدخل «بنی اسرائیل» (Children of Israel) در دائرة المعارف قرآن لیدن پرداخته است. نویسنده مقاله، یوری روبین (Uri Rubin) موضوعات بنی اسرائیل در کتاب مقدس، خروج از مصر، گناهان بنی اسرائیل، بنی اسرائیل پرهیزگار، مسلمانان و بنی اسرائیل در قرآن، شیعه و بنی اسرائیل در قرآن و... را مورد بررسی قرار داده است، اما برخی از مطالب آن عاری از نقد است. نجات بنی اسرائیل، اقتباس قرآن از کتاب مقدس، عهد بنی اسرائیل، شکسته شدن الواح، قوم برگزیده، عذاب استحاله از مواردی است که در نوشتار حاضر بررسی و نقد شده است.

**کلیدواژگان:** قرآن، خاورشناسان، بنی اسرائیل، دائرة المعارف قرآن لیدن،

یوری روبین.

---

\*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۲۱ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۱۱/۱۵

\*\*. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران - پردیس فارابی (نویسنده مسئول) hrezaii@ut.ac.ir

\*\*\*. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران - پردیس فارابی mahdi1433@yahoo.com

## طرح مسئله

خاورشناسان حاصل پژوهش‌های خود را درباره قرآن در قالب مقالات، کتاب‌ها و دائرة المعارف‌ها به جهان علم عرضه کرده‌اند. شناخت دقیق این آثار و دیدگاه‌های آنان ضرورتی انکارناپذیر است؛ چه در پس نگارش برخی از این آثار، اهداف دیگری نهفته است. افزون بر این، در لابه لای مطالب مطرح شده در این آثار، شبهات و انتقاداتی درباره معارف اسلامی و قرآنی نیز وجود دارد که لزوم شناخت صحیح قرآن‌پژوهی امروز در غرب را دو چندان می‌کند. مقاله «بنی اسرائیل» در دائرة المعارف قرآن لیدن یکی از این نوشته‌هاست که نوشتار حاضر تلاش کرده به معرفی، نقد و آسیب‌شناسی آن بپردازد.

## یک - زیست شناخت

یوری روبین یهودی الاصل، استاد گروه مطالعات اسلامی و عربی دانشگاه تل‌آویو اسرائیل و یکی از اعضای هیأت مشورتی دائرة المعارف قرآن (Encyclopaedia of the Qurān) بود.

زمینه پژوهش‌های وی بررسی صدر اسلام با تکیه بر قرآن، تفاسیر قرآن، سیره و حدیث است. تحقیقات اخیر وی درباره اهمیت بیت المقدس در صدر اسلام می‌باشد؛ به بیان دقیق‌تر وی در این تحقیقات به بررسی جایگاه قبة الصخرة بیت المقدس در صدر اسلام پرداخته و به مقایسه منزلت آن با کعبه مکه از نگاه مسلمانان صدر اسلام پرداخته است. در حال حاضر، پژوهش‌های وی بر روی بررسی توصیف نبوت محمد ﷺ در قرآن و مقایسه آن با منابع غیر قرآنی متمرکز است. برخی از آثار وی بدین قرار است:

- The eye of the beholder. The life of Muhammad as viewed by the early Muslims, Princeton 1995;

«نگاه بیننده. زندگی محمد ﷺ از منظر مسلمانان صدر اسلام»؛

- The life of Muhammad (The formation of the classical Islamic world: Vol.4), Aldershot 1998;

«زندگی محمد ﷺ (شکل‌گیری جهان صدر اسلام) ۴ جلدی»؛

- «The shrouded messenger. On the interpretation of *al-muzzammil* and *al-mudaththir*», JSAI 16 (1993);

«رسول جامه به خود پیچیده در تفسیر سوره‌های مزمل و مدثر»؛

- «Muhammad», in *Encyclopaedia of the Qurān*, (Leiden, Brill, 2003).

«محمد ﷺ» [۱]

- «Apes, Pigs and the Islamic identity», *IOS 17* (1997);

«بوزینه‌ها و خوک‌ها و تشبیه به آنها در اسلام»؛

- «Prophets and Caliphs. The biblical foundations of the Umayyad authority», *Method and Theology in the study of Islamic origins*, Leiden 2003.

«انبیاء و خلفاء؛ اساس قدرت بنی‌امیه»؛

- «Prophets and prophethood», in *Encyclopaedia of the Qurān*, (Leiden, Brill, 2004).

«انبیاء و نبوت» [۲]

- «Prophets and Progenitors in the early Shī'a tradition», *JSAI 1* (1979).

«انبیاء و نیاکان در روایات اولیه شیعه»؛

(Rubin, «Muhammad», vol.3, pp.440-457; id.;

«محمد»؛

«Prophets and prophethood», vol.4, pp.289-306);

«انبیاء و نبوت»؛

## دو - گزارش محتوای مقاله «بنی اسرائیل»

### الف) بنی اسرائیل در کتاب مقدس

آقای رویین با استفاده از کتاب مقدس به توصیف بنی اسرائیل پرداخته و می‌نویسد:

عناوین «اسرائیل»، «خاندان اسرائیل» و «بنی اسرائیل»، در تورات به صورت نام‌های

مترادف امت یهود به کار رفته است و وجه تسمیه آن به جد بزرگشان یعقوب بر می گردد که نامش به اسرائیل تغییر یافت. در عهد جدید، «اسرائیل» به عنوان نام یهودیان به کار می رود. در تورات، بنی اسرائیل قوم مقدسی است که خداوند آنها را بندگان برگزیده خود قرار می دهد و مرتبه آنها از تمامی اقوام روی زمین والاتر است. این انتخاب، مبین پیمانی میان خداوند و بندگان برگزیده اوست که وظیفه آنها، پیروی از آیین الهی، نبرد با بت پرستان و پرهیز از هر گونه گناه است. این انتخاب نشان دهنده رحمت خداوند بر آنان است و شاهد تاریخی آن، داستان خروج یعنی رهایی آنان از بردگی در مصر به کمک «آیات و معجزات» است که به فتح ارض موعود منجر می گردد. این رهایی، تحقق وعده خداوند به پدران بنی اسرائیل مبنی بر خلافت فرزندان آنها در سرزمین کنعان است. بنی اسرائیل، مادام که خدا را بندگی کند و پیمان خود با خداوند را نگه دارد، قوم برگزیده باقی می ماند، اما اگر گمراه شود دیگر قوم الهی محسوب نمی گردد (Rubin, «Children of Israel», vol.1, p.303).

### ب) خروج از مصر

نویسنده با استناد به آیات قرآن درباره خروج بنی اسرائیل از مصر می گوید: نجات بنی اسرائیل از دست فرعون، آشکارترین تجلی نعمت خداوند است (ابراهیم/۶). این رویداد و نیز سفر بنی اسرائیل به سرزمین مقدس در فرازهای مختلفی از قرآن، کما بیش بازگو شده است. شرح مفصل این رویداد در آیات ۱۰۳ تا ۱۷۱ سوره اعراف آمده است. قصه خروج در این آیات با موسی و هارون و ملاقات ایشان با فرعون آغاز می شود و در برگیرنده آیات است. منظور از این آیات، معجزات ارائه شده از سوی موسی و هارون و بلاهای فرود آمده از سوی آن دو بر سر فرعون است (اعراف/۱۰۳-۱۳۳). پس از آن، سوره اعراف به شرح عزیمت بنی اسرائیل از مصر و غرق شدن لشکریان فرعون در دریا می پردازد (اعراف/۱۳۴-۱۳۶). سپس در همین سوره، اشاره مختصری به استقرار بنی اسرائیل در سرزمین موعود، صورت می گیرد (اعراف/۱۳۷). این روایت از قصه فرعون، یکی از قصص مشهور عقوبتی قرآن است؛ قصصی که نابودی اقوام مختلف به خاطر نافرمانی آنها را شرح می دهند (Rubin, «Children of Israel», vol.1, p.304).

### ج) گناهان بنی اسرائیل

روبین با اشاره به آیات قرآن گناهان بنی اسرائیل را چنین بر می‌شمارد:  
امتناع بنی اسرائیل از گفتن حِطّه (اِبراز یا اظهار ندامت) گناهی بود که به خاطر آن با بلایی (رجز) که از آسمان نازل گشت و سبب نابودی آنان شد (اعراف/۱۶۱-۱۶۲؛ بقره/۵۸-۵۹). گناه دیگر آنان هتک حرمت روز شنبه بود که به سبب آن به میمون بدل شدند (بقره/۶۵). قرآن از دیگر گناهان بنی اسرائیل مطلع است که آزار و اذیت و قتل پیامبران از آن نمونه است (بقره/۶۱، ۸۷ و ۹۱؛ آل عمران/۲۱، ۱۱۲ و ۱۸۱؛ نساء/۱۵۵؛ مائده/۷۰). قرآن بنی اسرائیل را به دلیل کشمکش‌های درونی ایشان (اختلاف) سرزنش می‌کند؛ اختلافاتی که پس از برگزیده شدن از سوی خداوند به تفرقه میان آنان انجامید (جاثیه/۱۶-۱۷؛ یونس/۹۳).

گناه بزرگ بنی اسرائیل که نشانه شکستن عهد الهی است، تحریف کلام خدا یعنی تورات است (مائده/۱۳). قرآن نه تنها به ذکر گناهان بنی اسرائیل می‌پردازد، بلکه برخی از پیامبران آنان یعنی داوود و عیسی را مثال می‌زند که ایشان را به سبب رفتارشان نفرین کرده‌اند (مائده/ ۷۸) (Ibid, vol.1, p.305).

### د) بنی اسرائیل پرهیزگار

روبین درباره آن دسته از پرهیزگاران بنی اسرائیل می‌نویسد: قرآن از گروه بنی اسرائیل متقی خبر می‌دهد و اینان عده قلیلی بودند که به پیامبران خویش مؤمن باقی مانده‌اند. به موجب آیه ۱۵۹ سوره اعراف، گروهی از صالحان در میان «قوم موسی» زندگی می‌کردند که «به حق هدایت می‌نمودند و بدان دادگری می‌کردند». برخی از مفسران اولیه قرآن، این عده را همان قبایل گمشده بنی اسرائیل می‌دانند که در قسمت علیای رودخانه‌ای از شن‌های روان موسوم به «أَرْدَف» زندگی می‌کردند که هر شنبه منجمد می‌شد. اما تفاسیر رایج‌تر، این عده را با یهودیان هم عصر پیامبر ﷺ یکی می‌دانند که دین اسلام را پذیرفتند. گروه صالحی از پیشوایان در میان بنی اسرائیل بودند که در آیه ۲۴ سوره سجده از آنان یاد شده است (Ibid, p.305-306).

## هـ) مسلمانان و بنی اسرائیل در قرآن

به عقیده روبین، مورخان مسلمان از آیات قرآن درباره بنی اسرائیل به عنوان ابزاری جهت روشن ساختن روابط حضرت محمد ﷺ با یهودیان مدینه سود جستند. یکی از نخستین سیره‌نویسان پیامبر ﷺ، ابن اسحاق، (۷۶۸م/۱۵۰ق)، بسیاری از آیات ناظر بر گناهان بنی اسرائیل را که عمدتاً از سوره بقره‌اند، در توصیف خود از شرایط مدینه در هنگام هجرت پیامبر ﷺ از مکه می‌آورد. ویژگی بارز تفسیر ابن اسحاق از آیه ۴۰ سوره بقره این است که خداوند در این آیه بنی اسرائیل را سرزنش می‌کند تا به پیمان خود با او وفادار بمانند. از نظر وی، این آیه، خطابی خاص به پیشوایان یهودیان مدینه است که از آنان می‌خواهد به عهد خود با خداوند وفادار بمانند؛ یعنی هنگامی که حضرت محمد ﷺ به نزد ایشان می‌رود، به او ایمان بیاورند. با این همه، شواهد قرآنی گناه بنی اسرائیل و مخصوصاً ساختن گوساله طلایی، از آن رو اقامه می‌شود تا مظاهر فساد در جامعه اسلامی تقبیح گردد؛ وضعیت‌هایی که علامت شبیه شدن مسلمانان به دیگر جوامع قلمداد می‌شود. مثلاً گناه ساختن گوساله طلایی در روایتی منقول از محمد ﷺ این پیشگویی آمده که مسلمانان از سنت‌های شیطانی بنی اسرائیل پیروی خواهند کرد. او این مطلب را هنگامی اعلام می‌کند که مسلمانان از پیامبر می‌خواهند پرستشگاهی شبیه عبادتگاه مشرکان برای آنان برپا دارد. پیامبر نمی‌پذیرد و می‌گوید: مسلمانان همان چیزی را خواسته‌اند که پیشتر، قوم موسی از او خواسته بود؛ یعنی همان گوساله طلایی (Ibid.).

## و) شیعه و بنی اسرائیل در قرآن

به نظر آقای روبین، ذکر بنی اسرائیل در قرآن نقش مهمی در روایات تشیع ایفا می‌کند؛ آنجا که سرگذشت آنها خبر از سرگذشت شیعیان می‌دهد. شهادت امام حسین ﷺ و یارانش در کربلا به دست بنی‌امیه (۶۸۰م/۶۱ق) در روایات شیعه، معادل سنت‌های شیطانی بنی اسرائیل در قرآن تلقی می‌شود که پیامبران خود را به قتل رساندند. شیعه برای امویان همان شاهد قرآنی فرعون را به کار می‌گیرد که پسران بنی اسرائیل را به قتل رسانید (غافر/۲۵). در این تفسیر، شیعیان تحت ستم، معادل بنی اسرائیل تحت ستم روزگار فرعون تلقی شده است. مفسران شیعی توضیح می‌دهند که بنی اسرائیل مورد لطف خداوند

(بقره/۴۷)، اشاره به شیعیان دارد.

این مسئله بر این نظر استوار است که اسرائیل یکی از نام‌های محمد ﷺ است. پس «بنی اسرائیل» به معنای «فرزندان محمد» که امامان هستند، می‌باشد. شیعیان امامیه مناسب‌ترین نظیر بنی اسرائیلی را برای امامان خود در اشاره قرآن به ۱۲ نقیب پیدا کرده‌اند که بنابر آیه ۱۲ سوره مائده، موسی آنها را برای هدایت بنی اسرائیل برگزید. با این قیاس، شیعیان دارای دوازده امام شده‌اند (Ibid, p.306-307).

### سه - بررسی و نقد مقاله «بنی اسرائیل»

مدخل «بنی اسرائیل» نکات مثبت و منفی دارد. مهم‌ترین امتیاز مدخل «بنی اسرائیل» آن است که نویسنده از آیات قرآن استفاده فراوان برده و تقریباً برای هر مطلبی به آیه‌ای از قرآن استناد کرده است. در مدخل «بنی اسرائیل» نقاط ضعفی وجود دارد که در ذیل می‌آید:

#### ۱. نجات بنی اسرائیل

آقای روبین درباره نجات بنی اسرائیل می‌نویسد: «هنگامی که بنی اسرائیل گناه پرستش گوساله طلایی را مرتکب شدند، خداوند آنان را طرد نمود و آنان را قوم موسی نامید که موسی و نه خداوند از مصر نجاتشان داده است» (Ibid, p.303).

#### بررسی و نقد

چنانکه گذشت، روبین نجات قوم بنی اسرائیل را توسط موسی می‌داند، نه خداوند. این دیدگاه وی با آموزه‌های قرآنی سازگار نیست. زیرا بزرگ‌ترین افتخار پیامبران و رسولان الهی این بوده که بنده مطیع و فرمانبردار خدا باشند؛ چرا که بندگی و فرمانبرداری، رمز دریافت مقام رسالت است؛ بنابراین می‌بینیم که هیچ یک از پیامبران الهی ادعای الوهیت ۱۱۷ نکردند و مردم را به پرستش خویش فرا نخواندند: ﴿مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَاداً لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ (آل عمران/۷۹)؛ «برای هیچ بشری سزاوار نیست که خدا به او کتاب و حکم و پیامبری دهد؛ سپس [او] به مردم بگوید:

(غیر از خدا، بندگان من باشید)».

حضرت موسی علیه السلام در خصوص نجات بنی اسرائیل جز به اراده و دستور الهی کاری نکرده است، پس نجات بنی اسرائیل به اذن خداوند توسط حضرت موسی علیه السلام صورت گرفته است. مسلم است که هیچ اتفاقی در عالم رخ نمی‌دهد جز اینکه اراده الهی آن را به وجود آورده است (مطهری، مجموعه آثار، ۵۳۹/۲۷)؛ بنابراین، چگونه می‌توان گفت که حضرت موسی علیه السلام بنی اسرائیل را نجات داد نه خداوند؟!.

## ۲. اقتباس قرآن از کتاب مقدس

آقای روبین پس از آنکه توصیفاتی را از کتاب مقدس در خصوص برگزیده بودن قوم بنی اسرائیل و رهایی آنان از مصر ارائه می‌کند، اظهار می‌دارد: «این مجموعه توصیفات تقریباً به طور تمام و کمال در قرآن تکرار شده است» (Rubin, «Children of (Israel», vol.1, p.303-304

افزون بر این وی می‌نویسد: «در آیات ۲۰-۲۶ سوره مائده، گناه بنی اسرائیل در امتناع از جنگ با ساکنان قدرتمند ارض موعود ذکر می‌شود. به عقوبت این کار، آنان باید چهل سال در بیابان سرگردان شوند تا هلاک گردند. این گزارش قرآن بر روایت کتاب مقدس از این وقایع استوار است (Ibid, p.305).

## بررسی و نقد

تأمل در مطالبی که گذشت، نشان می‌دهد که آقای روبین در صدد القای شبهه اقتباس قرآن از کتب عهدین است (برای اطلاع از شبهه اقتباس قرآن از کتب عهدین، ر.ک: معرفت، شبهات و ردود، ۷-۱۱)؛ شبهه‌ای که بنابر دلایل زیر پذیرفتنی نیست:

۱- هیچ‌گونه دلیل و شاهد تاریخی برای فراهم بودن امکانات و زمینه‌های اقتباس و انتقال آموزه‌های کتب عهدین به قرآن وجود ندارد؛ زیرا کتب عهدین در عصر ظهور اسلام به عربی ترجمه نشده بود و ترجمه این کتب به عربی، سال‌ها پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله صورت گرفت (مغنیه، شبهات المحدثین، ۸۲)، حتی خاورشناسانی چون جرهارد بوئرینگ و نیل رابینسون به این مطلب اعتراف کرده‌اند (Bowering, «Chronology and the

(Quran», vol.1, p.316; Robinson, «Jesus», vol.3, p.8

پیامبر اکرم ﷺ نیز نه تنها با زبان عبری آشنا نبود، بلکه اصولاً خواندن نمی‌دانست و دیدارهایی هم که بین کشیشان مسیحی و خاخام‌ها با پیامبر اعظم ﷺ به منظور انتقال معارف عهدین به آن حضرت باشد، در هیچ گزارش تاریخی نیامده است (مغنیه، شبهات المحدثین، ۸۲). از ویژگی‌های تردید ناپذیر زندگانی پیامبر اعظم ﷺ طبق صریح قرآن و تاریخ، آن است که آن حضرت پیش از دعوت به اسلام، خواندن و نوشتن نمی‌دانسته، به مدرسه‌ای نرفته، نزد کسی برای آموختن زانو نزده، کتابی را نخوانده و چیزی را ننوشته است (جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام، ۱۹۱/۱). قرآن بیان می‌دارد: ﴿وَمَا كُنْتُمْ تَقْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ

كِتَابٍ وَلَا تَخْطُهُ يَمِينُكَ إِذَا لَزَبْتَ الْمُبْطُلُونَ﴾ (عنکبوت/۴۸)؛ «و پیش از این (قرآن) هیچ کتابی نمی‌خواندی [و پیروی نمی‌کردی] و با دست راست آن را نمی‌نوشتی؛ در صورتی که (اگر می‌خواندی و می‌نوشتی) حتماً باطل‌گرایان شک می‌کردند».

پیداست که چنین شخصی نمی‌تواند کتابی را که شامل عقاید عالی و معارف بلند و احکام و دستورات جهانی و جاودانی است، بدون ارتباط با خدا و تحت تأثیر فرهنگ زمانه یا در اثر ملاقات یک یا چند ساعته با این یا آن، رقم بزند و پدید آورد.

اگر کسی بر اقتباس از کتاب‌های گذشته قادر باشد، لازم است دانش و تجربه‌های علمی عصر خود را داشته باشد، در حالیکه پیامبر ﷺ چنین نبوده است.

۲- همان‌گونه که می‌دانیم، پیامبر ﷺ قرآن را به عنوان وحی الهی معرفی کرد. در حالی که لازمه اعتقاد به اقتباس قرآن از کتب عهدین این است که حضرت محمد ﷺ دروغگو دانسته شود، درحالی که صداقت و راستگویی آن حضرت تا بدانجاست که مشرکان

قریش وی را «محمد امین» لقب دادند. خود پیامبر ﷺ به صداقت و راستگویی خود از ۱۱۹ قریش چنین اذعان گرفته است: وقتی دعوت آغازین خود را به جمع بزرگان قریش اعلام کرد و پرسید: «آیا تاکنون دروغی از من شنیده‌اید؟» پاسخ دادند: خیر، آن چنان به صداقت و راستگویی‌ات ایمان داریم که اگر در روز ادعا کنی شب است، تصدیقت خواهیم کرد. حتی خاورشناسانی چون جان دیون پورت، توماس کارلایل، مونتگمری وات و جرجی

زیدان به راستگویی و صداقت پیامبر ﷺ اقرار کرده‌اند (دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد ﷺ و قرآن، ۲۹؛ زمانی، مستشرقان و قرآن، ۱۱-۱۰۹؛ زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ۲۴-۲۳).

۳- اهل کتاب با پیامبر ﷺ دشمنی داشتند و علیه ایشان توطئه‌های فراوان تدارک دیدند و از هیچ کاری برای تضعیف اسلام کوتاهی نکردند. پس اگر پیامبر ﷺ قرآن را از اهل کتاب گرفته بود، حتماً خبر آن را منتشر می‌کردند و می‌گفتند: این قرآن را از ما آموخته است یا از کتاب‌های ما گرفته است و برای شما قرائت می‌کند. درحالی که سخن‌های زیادی از آنها نقل شده، اما این مطلب از سوی آنها مطرح نشده است و اگر مطلبی گفته بودند، مانند سایر مطالب آنان، به ما می‌رسید.

۴- بسیاری از داستان‌های پیامبران که در قرآن کریم طرح شده، در کتب عهدین یافت نمی‌شوند؛ از جمله داستان هود، صالح و شعیب. اگر پیامبر ﷺ قرآن را از اهل کتاب آموخته بود، این اضافات را در کتاب خود مطرح نمی‌فرمود (ماضی، الوحی القرآنی، ۱۴۸).

۵- همخوان بودن آغاز و پایان کتابی که در طول ۲۳ سال به سرانجام رسیده است، گواه محکم دیگری بر آسمانی و وحیانی بودن آن است؛ چرا که اگر این کتاب فرآورده فکر بشر و فراهم آمده و برگرفته از آیین‌های مختلف و فرهنگ‌های موجود در جزیره العرب بود، از یک‌دستی لازم برخوردار نبود و اختلافات فراوانی در آن دیده می‌شد: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ (نساء/۸۲)؛ «و آیا در قرآن تدبّر نمی‌کنند؟ و اگر (بر فرض) از طرف غیر خدا بود، حتماً در آن اختلاف فراوانی می‌یافتند».

۱۲۰- ۶- اگر وحی، ساخته حضرت محمد ﷺ بود، چرا در مواردی که به نفع خودش بود، وحی نمی‌ساخت؟ برای مثال در جریان افک، وحی یک ماه قطع شد و حضرت تا نزول دوباره وحی تهمت‌ها و سرزنش‌های منافقان را تحمل کرد. در داستان تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه نیز تا ۱۶ ماه زیر فشار تهمت‌های مشرکان بود. اگر وحی تابع اراده الهی نبود و در دست پیامبر ﷺ قرار داشت، چرا زودتر قبله را به کعبه تغییر نداد.

۷- چگونه قرآن می‌تواند برگرفته از کتب عهدین باشد، در حالیکه آیات فراوانی، یهودیان و مسیحیان را به شدیدترین وجه ممکن توبیخ می‌کنند (بقره/۵۱، ۶۱، ۸۳، ۹۱، ۹۷-۹۸، ۱۰۰ و ۲۱۱؛ آل عمران/۷۰-۷۱ و ۷۵؛ نساء/۱۵۳، ۱۵۵ و ۱۷۱؛ مائده/۱۴، ۱۷، ۶۰، ۷۰، ۷۳، ۸۲ و ۱۱۶؛ توبه/۳۰؛ حدید/۲۷).

۸- وجود تفاوت بین قرآن و عهدین، دلیل آن است که قرآن برگرفته از آنها نیست. این تفاوت‌ها در حوزه‌های مختلف عقاید، اخلاق، احکام و قصص خود را نشان داده است. گاهی این موارد از حد تفاوت فراتر رفته و به تقابل با فرهنگ یهودی و مسیحی رایج و نفی برخی عناصر آنها منتهی می‌شود (خویی، *البیان*، ۵۷-۶۸)؛ برای مثال، قرآن کریم تثلیث مسیحیت را رد می‌کند ﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ﴾ (مائده/۷۳)؛ «کسانی که گفتند: «در واقع، خدا سومین [خدا از] سه [خدا] است»، به یقین، کفر ورزیدند؛ و هیچ معبودی جز معبود یگانه نیست؛ و اگر به آنچه می‌گویند، پایان ندهند، حتماً، به کسانی از آنان که کفر ورزیدند، عذاب دردناکی خواهد رسید».

۹- بهترین دلیل وحیانی بودن قرآن و نزول آن از طرف خداوند، جنبه‌های اعجاز قرآن است؛ جنبه‌های ادبی، تشریعی و علمی قرآن که خارج از توان بشر است، جای هیچ شکّی را نسبت به اعجاز قرآن باقی نگذاشته و هر قاضی منصفی را بر اعتراف به وحیانی بودن قرآن مجبور می‌کند (معرفت، التمهید، ۳۰/۷).

### ۳. عهد بنی اسرائیل

آقای روئین با استناد به آیات ۴۰ تا ۴۳ سوره بقره درباره عهد بنی اسرائیل با خداوند می‌گوید:

۱۲۱

«نعمت الهی رابطه تنگاتنگی با عهد الهی دارد؛ عهدی که بنی اسرائیل باید به آن وفا کند. وفای به عهد مذکور به این معناست که آنان باید به تورات ایمان بیاورند و احکام الهی را رعایت کنند» (Rubin, «Children of Israel», vol.1, p.304).

## بررسی و نقد

خداوند می‌فرماید: ﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَ أَوفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ \* وَ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَ لَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَ لَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَ إِنِّي فَاتَّقُونِ \* وَ لَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ \* وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾ (بقره/۴۰-۴۳)؛ «ای بنی اسرائیل (= فرزندان یعقوب) نعمت مرا، که بر شما ارزانی داشتم، به یاد آورید و به پیمانم وفا کنید، تا به پیمانتان وفا کنم و فقط از (مخالفت با) من بهراسید! و به آنچه فرو فرستادم (قرآن) ایمان آورید، در حالیکه مؤید چیزی است که با شماست؛ و نخستین انکار کننده آن نباشید و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها از (عذاب) من (خودتان را) نگه دارید. و حق را با باطل نیامیزید؛ و حق را پنهان نکنید، در حالیکه شما می‌دانید و نماز را برپا دارید و [مالیات] زکات را بپردازید و با رکوع کنندگان رکوع کنید».

فهم روبین از این آیات تمام نیست؛ چرا که عهد بنی اسرائیل با خداوند فقط شامل ایمان به تورات و رعایت احکام الهی نمی‌شود، زیرا آنان افزون بر آنچه یاد شد، باید به قرآن ایمان بیاورند، حق را کتمان نکنند، نماز را به پا دارند و زکات بپردازند. با مراجعه به تفاسیر، چپستی حقی را که نباید پنهان کنند، می‌توان فهمید و آن، حقانیت اسلام و ایمان به پیامبر آن است که آقای روبین بدان اشاره‌ای نمی‌کند (طبرسی، مجمع البیان، ۱/۱۵۳؛ شبّر، تفسیر القرآن العظيم، ۴۶/۱؛ طوسی، التبیان، ۱/۱۸۹؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۲۱۲/۱).

همچنین در کتب تفسیری شیعه احادیثی در تبیین حق مذکور بدین مضمون آمده است: جمعی از یهود می‌گفتند که ما می‌دانیم که حضرت محمد ﷺ پیامبر و علی وصی او است، و از طریق تورات و دیگر کتب آسمانی به این امر پی برده‌ایم. اما این محمد ﷺ و علی ﷺ موجود در این زمان، آن محمد و علی موعود نیستند، بلکه آنان بعد از پانصد سال دیگر خواهند آمد. خداوند در رد ادعای آنان فرمود: ﴿وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ﴾ (شریف لاهیجی، تفسیر شریف لاهیجی، ۴۳/۱؛ حسینی استرآبادی، تأویل الآیات الظاهرة، ۵۷/۱؛

«قرآن پژوهی خاورشناسان»، سال هشتم، شماره پانزدهم، پیاپی: ۱۳۹۲

بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ۱/۳۹۹-۴۰۰؛ مشهدی، تفسیر کنز الدقائق، ۱/۲۰۲-۲۰۳).

#### ۴. شکسته شدن الواح

آقای روبین در گزارش از آیات ۱۳۸ تا ۱۵۱ سوره اعراف می‌نویسد: «در سوره اعراف، داستان عقوبت فرعون با شرحی از رخدادهایی دنبال می‌شود که پس از عبور بنی اسرائیل از دریا روی می‌دهد. در این داستان بر گناهان آنان و به ویژه بر ساختن گوساله طلایی تأکید می‌شود که به شکسته شدن الواح می‌انجامد» (Rubin, «Children of Israel», vol.1, pp.304-305).

#### بررسی و نقد

خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بُنْسَا مَن خَلَقْتُمُونِي مِن بَعْدِي أَعْجَلْتُمُ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَحَ وَآخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ (اعراف/۱۵۰)؛ «و هنگامی که موسی خشمناک [و] اندوهگین به سوی قومش بازگشت، گفت: «بعد از من، چه بد جانشینانی برایم بودید! آیا در مورد فرمان پروردگارتان عجله نمودید (و در مورد تمديد زمان وعده، زود داوری کردید)؟!». و (موسی) صفحه‌های (تورات) را افکند و سرِ برادرش را گرفت، در حالیکه او را به سوی خود می‌کشید؛ [هارون] گفت: «پسر مادر [م]! در حقیقت این گروه مرا تضعیف کردند و نزدیک بود مرا بکشند؛ پس مرا دشمن شاد مکن؛ و مرا با گروه ستمکاران قرار مده».

برداشت آقای روبین از این آیه در خصوص شکسته شدن الواح نادرست است؛ زیرا آیه مذکور تنها به انداختن الواح اشاره می‌کند و هیچ دلالتی بر شکسته شدن آنها ندارد. افزون بر این، با توجه به آیه ۱۵۴ سوره اعراف می‌توان فهم اشتباه آقای روبین را درباره شکسته شدن الواح اثبات نمود؛ چرا که در این آیه آمده: ﴿وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبَ أَخَذَ الْأَلْوَحَ وَفِي نُسخِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ﴾؛ «و هنگامی

که خشم موسی آرام گرفت، صفحه‌های (تورات) را برگرفت، در حالیکه در نوشته‌های (آن)، رهنمود و رحمتی است برای کسانی که آنان از (مخالفت) پروردگارشان می‌هراسند. اینکه حضرت موسی (علیه السلام) بعد از فروکش کردن خشمش دوباره الواح را به دست گرفت؛ الواحی که در آن هدایت و رحمت برای بنی اسرائیل بود، خود دلیل بر سالم بودن الواح است.

### ۵. قوم برگزیده

آقای روبین معتقد است: «قرآن می‌کوشد تا اثبات کند که اسلام چارچوبی برای قوم برگزیده جدید خداوند فراهم می‌آورد و اینکه بنی اسرائیل یعنی یهودیان و مسیحیان، دیگر قوم برگزیده نیستند. مطلب مذکور به صراحت در آیه هجدهم سوره مائده ذکر شده است (Rubin, «Children of Israel», vol.1, p. 305).

### بررسی و نقد

﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾ (مائده/۱۸)؛ «و یهودیان و مسیحیان گفتند: «ما پسران خدا و دوستان او هستیم.» بگو: «پس چرا شما را به خاطر پیامد (گناهان)تان عذاب می‌کند؟! بلکه شما (هم) بشری هستید از کسانی که آفریده است؛ هر کس را بخواهد، می‌آمرزد و هر کس را بخواهد (و مستحق بداند) عذاب می‌کند؛ و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آن دو است، فقط از آن خداست؛ و فرجام (همه) فقط به سوی اوست».

این آیه که مورد استشهاد آقای روبین است، صراحتی بر برگزیدگی امت اسلام به جای بنی اسرائیل ندارد. در واقع، آیه مذکور به یکی از ادعاهای بی‌اساس و امتیازات موهومی که یهود و نصاری داشتند، اشاره می‌کند: «آنان گفتند: ما فرزندان خدا و دوستان او هستیم!» این تنها امتیاز موهومی نیست که آنها برای خود قائل شدند، بلکه در آیات دیگر بارها به اینگونه ادعاهای آنان اشاره شده است. در آیه ۱۱۱ سوره بقره خداوند ادعای آنها را درباره اینکه غیر از آنان کسی داخل بهشت نمی‌شود و بهشت مخصوص یهود و نصاری است،

بیان کرده و ابطال می‌نماید و در آیه ۸۰ سوره بقره ادعای یهود را دایر بر اینکه آتش دوزخ جز ایام معدودی به آنان نمی‌رسد، ذکر نموده و آنها را سرزنش می‌کند. در آیه مورد بحث نیز به ادعای موهوم فرزندی خدا و دوستی خاص او اشاره شده است.

شکی نیست که یهودیان خود را حقیقتاً فرزند خدا نمی‌دانستند، بلکه تنها مسیحیان، عیسی را فرزند حقیقی خدا می‌دانند و به آن تصریح می‌کنند. ولی منظورشان از انتخاب این نام و عنوان برای خود این بوده که بگویند رابطه خاصی با خدا دارند و گویا هر کس در نژاد آنها و یا جزء جمعیت آنها می‌شد، بدون اینکه اعمال صالحی انجام داده باشد، خود به خود، از دوستان و گروه فرزندان خدا می‌شد! اما می‌دانیم که قرآن با تمام این امتیازات موهوم مبارزه می‌کند و امتیاز هر انسانی را تنها در ایمان و عمل صالح و پرهیزگاری او می‌شمرد؛ بنابراین، آیه مورد بحث برای ابطال این ادعا چنین می‌گوید: «بگو پس چرا خداوند شما را در مقابل گناهانتان مجازات می‌کند؟».

به علاوه تاریخ نشان می‌دهد که شما گرفتار یک سلسله مجازات‌ها و کیفرهای الهی در همین دنیا نیز شده‌اید و این، دلیل دیگری بر بطلان ادعای شما است. سپس برای تأکید مطلب اضافه می‌کند: «شما بشری هستید از مخلوقات خدا، همانند سایر انسان‌ها». این یک قانون عمومی است که «خدا هر که را بخواهد (و شایسته ببیند) می‌بخشد و هر که را بخواهد (و مستحق ببیند) کیفر می‌دهد».

از این گذشته، همه مخلوق خدا هستند و بنده و مملوک او؛ بنابراین، نام فرزند خدا بر کسی گذاشتن منطقی نیست. «و سرانجام هم تمام مخلوقات به سوی او باز می‌گردند» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۳۲۸/۴-۳۳۰؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۴۸/۵-۲۵۰).

بنابراین، برگزیدگی امت اسلام از آیات دیگر قرآن مثل آیه ۱۱۰ سوره آل عمران قابل ۱۲۵ برداشت است، نه آیه ۱۸ سوره مائده (طبرسی، مجمع البیان، ۸۱۰/۲).

## ۶. عذاب مسخ

به نظر آقای روبین از شواهد قرآنی عقوبت بنی اسرائیل، به ویژه تبدیل آنها به خوک و

میمون (بقره/۶۵؛ مائده/۶۰؛ اعراف/۱۶۶)، به عنوان هشدارى علیه جنبه‌هاى مختلف تشبث به باورها و اعمال یهودیان و مسیحیان استفاده می‌شود. برخى روایات پیشگویی کرده‌اند که بدعت‌گذاران (از قبیل قَدْرِیان و...) به عذاب مسخ به خوک و میمون گرفتار خواهند شد (Rubin, «Children of Israel», vol.1, p. 306).

### بررسی و نقد

چنان که گذشت آقای روبین با استناد به روایاتی، سخن از گرفتار شدن فرق اسلامی بدعت‌گذار به عذاب مسخ به میان آورد. همان‌گونه که می‌دانیم در تاریخ فرق اسلامی بیان شده که بسیاری از فرقه‌ها برای اثبات خود و رد مخالفان، علیه یکدیگر به جعل حدیث دست می‌زدند. از اینرو بر فرض وجود روایاتی که مورد استناد آقای روبین بوده، صحت آنها مورد تأمل است. همچنین باید توجه داشت که اساساً در منابع تاریخی هیچ‌گونه عذاب مسخ که یکی از فرق اسلامی گرفتار آن شده باشد، گزارش نشده و این، خود، صحت صدور چنین روایاتی را زیر سؤال می‌برد.

### نتیجه

بررسی مدخل «بنی اسرائیل» نشان می‌دهد که نویسنده آن بسیاری از مطالب قرآنی مربوط به بنی اسرائیل را در پژوهش خود آورده است. وی در خصوص توضیح بعضی از مطالب مربوط به بنی اسرائیل انصاف را رعایت کرده و در ارائه مطالب به ندرت نظر شخصی خود را آورده و اکثراً آنها را با تحقیق و مستند ذکر کرده است. در مدخل «بنی اسرائیل» موضوعات دسته‌بندی و منسجم شده است. نویسنده برای موضوعات نوشته‌اش، عنوان‌های جداگانه‌ای قرار داده است.

۱۲۶

عدم استفاده از منابع شیعی مشکل عمده‌ای است که در تحقیقات بسیاری از خاورشناسان به چشم می‌خورد. اما پژوهش روبین از این نقص مبرا است. برداشت نادرست روبین از برخی آیات قرآن باعث شده تا وی اشتباهاتی در مورد پاره‌ای از مطالب مربوط به بنی اسرائیل مرتکب گردد که همین امر از اعتبار پژوهش او می‌کاهد.

### پی‌نوشت

[۱] این اثر توسط دکتر حسن رضایی هفتادر به فارسی ترجمه شده و در دست انتشار است.

[۲] این اثر توسط دکتر حسن رضایی هفتادر به فارسی ترجمه شده و در دست انتشار است.

## منابع

۱. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت.
۲. قرآن کریم، ترجمه دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و گروهی از اساتید جامعه المصطفی (۱۳۸۸)، قم، انتشارات بین المللی المصطفی، چاپ دوم.
۳. جعفریان، رسول (۱۳۷۳)، *تاریخ سیاسی اسلام*، بی جا، سازمان چاپ و انتشارات.
۴. حسینی استرآبادی، سید شرف الدین (۱۴۰۹)، *تأویل الآیات الظاهرة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۵. خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۴)، *البيان فی تفسیر القرآن*، بی جا، المطبعة العلمیه.
۶. دیون پورت، جان (۱۳۸۸)، *عذر تقصیر به پیشگاه محمد ﷺ و قرآن*، ترجمه غلامرضا سعیدی، تهران، اطلاعات.
۷. زمانی، محمدحسن (۱۳۸۵)، *مستشرقان و قرآن*، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
۸. زیدان، جرجی (۱۳۵۲)، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۹. شبر، سید عبدالله (۱۴۱۲)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالبلاغه.
۱۰. شریف لاهیجی، محمد بن علی (۱۳۷۳)، *تفسیر شریف لاهیجی*، تحقیق میرجلال الدین حسینی ارموی، تهران، دفتر نشر داد.
۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصرخسرو.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۴. ماضی، محمود (۱۴۲۲)، *الوحی القرآن فی المنظر الاستشراقی و نقد، مدینه، دارالدعوه*.

۱۵. مشهدی، محمد (۱۳۶۸)، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۱۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
۱۷. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۲)، *شبهات وردود*، قم، مؤسسه التمهید.
۱۸. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۶)، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، مؤسسه التمهید.
۱۹. مغنیه، محمدجواد (۱۹۸۶)، *شبهات الملحدين و الجواب عنها*، بیروت، دار و مكتبة الهلال.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
21. Böwering, Gerhard, «Chronology and the Quran», *Encyclopaedia of the Qurān*, Leiden, Brill, 2001.
22. Robinson, Neal, «Jesus», *Encyclopaedia of the Qurān*, Leiden, Brill, 2003.
23. Rubin, Uri, «Children of Israel», *Encyclopaedia of the Qurān*, Leiden, Brill, 2001.
24. Rubin, Uri, «Muhammad», *Encyclopaedia of the Qurān*, Leiden, Brill, 2003.
25. Rubin, Uri, «Prophets and prophethood», *Encyclopaedia of the Qurān*, Leiden, Brill, 2004.